تحول معنی دربازززنده سازی خانه‌های تاریخی با رویکرد نشانه شناسی

داوودامامی میبدی[۱]: کارشناس ارشد مرمت بناهای تاریخی، دانشکده هنرومعماری دانشگاه ازادتهران مرکز، ایران
mehraz.emami@ymail.com
محمدرضا اولیاء: عضو بازنشسته هیات علمی دانشگاه یزد
m.r.owlia@yazd.ac.ir

چکیده:

امروزه معنامندی فضایی ا ز مهم‌ترین راهکارهای کیفیت بخشی به فضای معماری است و طراحان و معماران در این زمینه تلاش میکنند. فضا یا یک ساختار فضایی ،یک متن است.هر بنای مرمت شده ساختاری دارد که نشانه‌های آن با مخاطبانش سخن میگوید وبرمعنای ویژه‌ای دلالت میکند. در این مقاله ارتباط میان حفاظت معماری و نشانه شناسی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. هر متن اجتماعی(مانند معماری) حامل مجموعه‌ای از پیام‌ها بوده که به وسیله رمزگان‌ها و روابط درون متنی به مخاطب منتقل می‌شوند. این نشانه‌ها توسط خالق کد گذاری شده و خواننده(مخاطب) بر پایه قراردادهای اجتماعی، برداشت‌های ذهنی و زاویه نگاه خود به رمزگشایی و معنا سازی برای متن(معماری) تلاش می‌کند. در این مقاله جهت تبیین این مسئله، ضمن تشریح مفاهیم سه دیدگاه نشانه شناسیِ ساختارگرا و پساساختارگرا وفرهنگی معرفی می‌گردند.در این مقاله پس از بررسی نظریات نشانه شناسان، خوانش معماری متن از دیدگاه های ذکر شده مورد قیاس قرار گرفته است. تمرکز اصلی تحقیق بر بازنمود معنای حفاظت معماری، که از لایه‌های متعدد معنا تشکیل شده‌است، می‌باشد. هدف این پژوهش تحلیل عناصر مهم نشانه‌ای در باززنده سازی خانه‌های تاریخی است تا به این سوال پاسخ داده شود: نحوه حفاظت عناصر کالبدی معماری خانه با چه مولفه‌هایی و درچه راستایی باید صورت پذیرد ؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهدحفاظت واحیاء خانه با توجه به پنداشت‌های فرهنگی وتوجه به بوم نشانه شناسی، معنی می‌یابد.

کلمات کلیدی: نشانه شناسی معماری، متن، نشانه شناختی ساختارگرا، نشانه شناختی پساساختارگرا، نشانه شناختی فرهنگی

۱-نویسنده مسئول

مقدمه:

امروزه نظریه‌های متفاوت و متعددی در زمینه شکل‌گیری محصول و خوانش معماری وجوددارند. به طور کلی پیشینه نشانه شناسی به عنوان یک علم مجزا به یک قرن قبل بر می‌گردد. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به طور همزمان و بدون اطلاع و آگاهی قبلی، دو نظریه پرداز در حوزه‌های علوم انسانی، فردینان دوسوسور سوئیسی استاد دانشگاه لوزان و چارلز ساندرس پیرس فیلسوف پراگماتیست و استاد دانشگاه شیکاگو در پی تعریف مفهوم نشانه شناسی برآمدند.در سه دهه اخیر علوم انسانی مبنای شکل دهی این تئوری‌ها بوده‌اند. در دهه هفتاد میلادی مطالعات زبانشناسی در حوزه هنر جای خودرا پیدا کرده است. در پی آن نشانه شناسی به عنوان شاخه‌ای از زبان شناسی در نقدو خوانش متن هنری مورد استفاده قرار گرفت. معماری مانند یک متن، در برابر مخاطب دنیایی از اندیشه‌ها و ارزش‌های طرح را تداعی می‌کند و واجد زبانی در پس پرده خویش بوده که به مخاطب به گفتگو می‌نشیند. این برداشت و بیان معنا از معماری از ابتدای تاریخ هنر و زایش معماری به صورت‌هایی که در برگیرنده، ایده‌های دینی، اقتباس از اسطوره‌ها، طبیعت و عناصر طبیعی در قالب شکل‌ها، نمادها، نشانه‌ها و صورت‌هایی که حامل اندیشه‌ها و تفکراتی خاص بود، ظهور کرد(غفاری،۱۳۹۵، ۲).

از زمانی که سوسور در کتاب «درس‌هایی در مورد زبانشناسی عمومی » پیشنهاد پایه گذاری علمی نوین تحت عنوان نشانه شناسی را مطرح کرد، تا به امروز که نشانه شناسی کلیه عرصه‌های علوم تجربی و نظری را زیر سیطره خویش گرفته، چیزی بیشتر از یک قرن نمی‌گذرد. تحولات سریع و پیدایش نظریه‌های متفاوت نشانه شناسی در این بازه زمانی کوتاه حاکی از آن است که جامعه جهانی علم به اهمیت‌های اساسی و ضرورت‌های انکارناپذیر این شاخه علمی پی برده‌است. نشانه شناسی امروزه می‌رود تا به علمی تبدیل شود که دیگر علوم را در عرصه‌های مختلف در خود گنجانیده و در واقع به نوعی ابر نظریه بدل گردد؛ ابر نظریه‌ای که قرن‌هاست دانشمندان و متفکران وابسته به نهضت مدرنیسم برآنند تا در چهارچوب آن کلیه علوم مختلف را گردآورند. از سویی دیگر، نیاز مبرم انسان قرن بیست و یک به مقوله‌هایی چون کدگذاری و کدگشایی- که کلیه عرصه‌های مثبت و منفی زندگی بشر، از مقوله جنگ‌های مجازی تا فناوری انفورماتیک و فیزیک کیهان شناختی را دربرگرفته-حکایت از استراتژیک بودن این عرصه علمی دارد. معماری به عنوان نقطه تلاقی علم و هنر، امروزه به صورتی گسترده دست به گریبان نظریات و مقوله‌های نشانه-شناختی است(امیری،۱۳۹۴، ۲).

زمینه وبستر اندیشه وفرهنگ جامعه مصدرخویش است.هرمتن حامل پیامی مستقل از فرستنده وگیرنده آن مبتنی بر" تولید متن در برگیرنده مجموعه‌ای از نشانه‌هاست. این نشانه‌ها، توسط مؤلف رمزگذاری شده و مخاطب آن‌ها را با استناد به قرار دادها و به کمک روابط رسانه‌ای رمز گشایی می‌کند"(چاندلر،۲۰۰۹، ۳).
هرمتن مانند معماری محصول یک فرآیند تولیدی است که از برهم کنش ایده‌ها، ارزش‌ها، حوزه‌ها و شناخت محیطی مؤلف شکل گرفته و مخاطب در زمان روبه رو شدن با آن سعی دارد پیام متن را دریافت نموده و با توجه به آموزه‌های ذهنی خود به پردازش و خوانش متن (معماری) می‌پردازد. بنابراین علم نشانه شناسی سعی در بازتاباندن اندیشه‌های مطرح شده در بین سطور هر متن هنری مانند معماری دارد و با استناد به این روش و نظریات نشانه شناسی معماری نیز مورد خوانش قرار می‌گیرد(غفاری،۱۳۹۵، ۳).

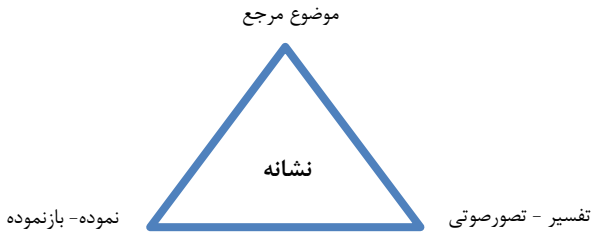

نمودار۱: مثلث نشانه شناختی پیرس(ماخذ:چندلر۱۳۸۷)

پیشینه نظری تحقیق :

"هر نامی که به چیزی دادی آن نام درست است، و اگر آن نام را رها کردی و نام دیگری به همان چیز دادی، نام اخیر به هیچوجه نامناسب نیست. درست همانگونه که نام غلام خویش را تغییر می‌دهی"(ضمیران ،۱۳۸۲، ۴۵) این جملات در واقع بخشی از رساله «کراتیلوس » افلاطون است که از جانب« هرموگنیس» شهروند آتنی، خطاب به «سقراط »گفته می‌شود و آن را می‌توان اولین رهیافت‌های انسان فلسفی غرب در مورد نشانه شناسی دانست، پس از این تا هنگامی که«چارلز ساندرس پیرس » به عنوان اولین تئوریسین نشانه شناسی تعاریف جامع خود را ارائه داد، مفهوم نشانه در تاریخ غرب دارای معانی مختلفی بود که سعی می‌شود به صورت گذرا به آن‌ها اشاره شود. بنا بر تعریفی کلی، نشانه چیزی است که به جای چیز دیگری میآید. به عبارتی میتواند به جای چیز دیگری، بر معنایی دلالت کند. لویی فردینان دو سوسور زبان شناس سوییسی، در «نظریه زبان شناسی » نشانه را نتیجه همبستگی دال و مدلول میداند. چارلز سندرس پیرس، فیلسوف آمریکایی، نشانه را امری می‌داند که موردی را به جای موردی دیگر، با نسبت و توانایی خاصی تعریف میکند. چارلز موریس که پژوهش‌های پیرس را دنبال کرد، در تعریف نشانه میگوید:" هر چه به عنوان نشانه از سوی تاویل کننده‌ای تاویل شود، نشانه است". امبرتو اکو مینویسد: «نشانه تمامی آن چیزهایی است که بر پایه‌ی قراردادی اجتماعی و از پیش نهاده، چیزی را به جای چیز دیگری معرفی میکنند».حدود یکصد سال پیش منطقدان و فیلسوف پراگماتیست آمریکایی چارلز ساندرس پیرس اصطلاح را به کار گرفت و آن را پژوهش نسبت میان نشانه، مورد تاویلی و موضوع دانست.(احمدی،۱۳۷۱، ۷)semiosis semiology مصادف با همین دهه و همزمان با پیرس، فردینان دوسوسور از واژه برای نشانه شناسی استفاده کرده بود.

از دوران باستان، فیلسوفان، منطق دانان و دستور زبا ن شناسان، به تحقیق دربارهٔ نشانه‌ها مشغول بود ه‌اند و از عصر رمانتیک تا به امروز، شاهد تلاش پیگیر زبا نشناسان، مرد م شناسان، روان شناسان، جامعه شناسان و ادبیات پژوهان برای تدوین نظری‌های منسجم دربارهٔ دلالت در ارتباط و شناخت، بوده‌ایم.(دین هسن، آنه ماری؛ ۱۳۸۰، ۱۱). در میان تعریف‌های بالا رویکرد موریس و پیرس به نشانه، به اصول هرمنوتیک مدرن و اهمیت تاویل در رویارویی با اثر هنری نزدیکتر است. لذا ظهور نشانه شناسی به عنوان رشته‌ی علمی را مدیون چالرز سندرس پیرس(۱۹۱۴ - ۱۸۳۹) هستیم. از نظر او نشانه شناسی، چارچوبی ارجاعی است که هر

مطالعهٔ دیگر را دربرمیگیرد. تقریباً همزمان با او، زبا ن شناس سوئیسی، فردینان دوسوسور(۱۸۵۷-۱۹۱۳) نیز نشانه شناسی را مطرح کرد. او بیان میداشت کـه زبـان، نظامی از نشانه‌هایی است که بیانگر اندیشه‌هاست. از اینرو با خط، الفبای کر و لا ل‌ها، آیین‌های نمادین، آداب معاشرت، علائم نظامی و غیره قابل مقایسه اسـت نشـانه شناسی را او فقط زبان نمیدانست؛ بلکه در نظر دوسورسور، زبان مهمترین این نظا مهاست و میتوان در دل زندگی اجتماعی بپردازد. این علـم بخشـی از روا نشناسـی اجتماعی و در نتیجه بخشی از روا نشناسی عمومی خواهد بود که دو سورسور آن را سمیولوژی نامید؛ که از سه مدیون یونانی به معنـای نشـانه أخـذ شـده اسـت.(پی یر،۱۳۸۳، ۱۴۳-۱۴۹).

دانشمندانی مانند تریر مباحث مربوط به پیوند میان زبان شناسی و مجموعه وقایع اجتماعی خاصی که بر رفتار محیطی انسان‌ها اثـر گـذاری داشـته‌انـد را بـه میان آوردند. زبان شناسی در دهه شصت میلادی به وسیله دانشمندانی چون چامسکی با ارائه نظریه دستورزبان چالشی وارد مرحله تازه‌ای شـد.اوبا بازنگرشـی نحـو-بنیاد زبان را مفهوم ذاتی دانست که از زمان تولد با انسان می‌باشد. او به صورت عقلانی به زبان می‌نگرد. در دهه هفتاد زبان شناسی به سمت معنا شناسـی گفتمـان - بنیاد سوق می‌یابد. مبنای اصلی، نگرش مطالعات جامعه شناسی و توجه عمیق به بافتار فرهنگی پیرامون زبان است در حقیقت از بافت بـه عنـوان مهمتـرین رکـن در معناشناسی یاد می‌شود و جمله، واحدی مستقل نبوده و همیشه در متن بررسی می‌شود. زبان شناسان مدرن همچـون ریچـاردای. هودسـن در کتـاب زبـان شـناخت اجتماعی روی دریافت مفهوم و معنایی زبان کار کرده‌اند. کتاب‌های. براین نشانه شناسی ومعماری براین عقیده‌اند که: معماری دارای معنای ذاتـی و درونـی نیسـت و بر اساس قراردادهای اجتماعی و فرهنگی معنا می‌شود. در واقع نشانه‌ها را نمی‌توانیم بی تأثیری از محوطه شان بازشناسیم بـر ایـن اسـاس نشـانه شناسـی معمـاری، مقوله‌ای نیست که بتواند یک سویه، یعنی تنها به نیت و خواسته شناسنده، شناخته شود. رولان بارت و امُبرتواکو نشانه شناسان مطرحی هستند که بـه نظریـه نشـانه شناسی در معماری به این عقیده‌اند که معماری، متنی لایه‌گون و دارای پیوندهای اصیل با بافت اجتماعی و فرهنگیش می‌باشد(غفاری ،۱۳۹۵، ۳).

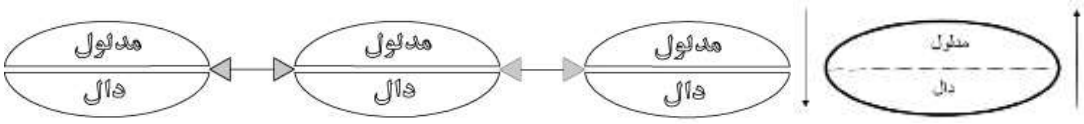

نمودار۲: الگوی ارائه شده توسط سوسور از نظر سوسور(مأخذ چندلر ۱۳۸۷،ص۴۰ نشانه و روابط درونی آن)

روش شناسی تحقیق:

ساختار محتوایی این تحقیق با توجه به موضوع مورد مطالعه، ساختاری کیفی می‌باشد و رویه مورد اسـتفاده در آن، بررسـی پیشـینه مطالعـات پیرامـون ایـن مبحث و مبانی نظری مرتبط با موضوع بود که به صورت داده‌ها و نظریه‌های مورد نیاز، به روش کتابخانه‌ای گردآوری شد. با توجه به هـدف ایـن پـژوهش کـه تبیـین مفهوم و جایگاه نشانه شناسی در حفاظت معماری می‌باشد، ابتدا سابقه دلالت‌های معمارانه نشانه‌ها مورد مطالعه قـرار گرفـت و در ادامـه بـه تـدقیق و تحدیـد حـوزه نشانه شناسی در حفاظت پرداخته شد. این مقاله با استفاده از نشانه شناسی ، بعنوان روش تحقیق ،سعی در بررسی فرآیند دلالت‌های فرهنگـی بـر پیکـره مطالعـاتی خود دارد.برای این منظور ،از سه گونه نشانه شناسی ساخت‌گرا،نشانه شناسی فرهنگی، نشانه شناسی پساساختگرا استفاده شده است.

نشانه‌های ساخت‌گرا رابطه بـین نشـانه‌هـای فضـای معماری(متن)رابررسـی میکنـدومنطق‌هـای سـاختاری آن را بدسـت مـی‌آورد.:"تحلیـل نشـانه شـناختی ساختارگرایانه باباز شناسی واحدهای تشـکیل دهنـده‌ی نظـام نشـانه‌ای(زبـان یـا هرفعالیـت فرهنگـی – اجتمـاعی)وتعین روابـط بـین ایـن واحـدهـا(روابط معنـایی ومنطقی)سروکار دارد"(سجودی ،۱۳۸۲، ۷۰). نشانه شناسی پساساختارگرا سعی بر نشان دادن ویژگی‌هایی در متن دارد که دلالت واحـدی ندارنـد و منطـق‌هـایی را که به سادگی بدیهی فرض شده‌اند به چالش می‌کشد. در این نگرش، متن مفهومی چند لایه است که مخاطب با توجه به زمان خوانش، جایگاه اجتمـاعی خـود، ذهـن خود، چگونگی سنجش و دستیابی با نشانه‌های درونی به دریافت معنا دست یافته و به معناسازی متن می‌پردازد. نشانه شناسی فرهنگی ،نشانه‌ها را درارتباط با روابـط فرهنگی ومناسبات انسان‌ها بررسی میکند

نشانه شناسی ساختارگرا در معماری

درررویکرد ساختارگرا به معماری بنا متنی است که تنها براساس مطالعه ساختار وقواعد زبانی شکل دهنده اش میتوان آنرا تحلیل کرد .هرجـزء معمـاری نشـانه است که تنها درارتباط با کل زبان اثر ،قابل فهم است وبرعکس.سوسور میگوید:"کل وابسته به اجزاست واجزای وابسـته بـه کـل"(سـجودی ،۱۳۸۲، ۷۱). در نگـرش ساختارگرا ، متن به عنوان جزئی از بافت انگاشته می‌شود به طوری که بافت جایگاهی کلان داشته و متن عضوی از مجموعـه آن تلقـی مـی‌شـود. درنتیجـه مـتن بـه عنوان کانون معنا بوده و بافت به صوررت بسته و زمینه برای خوانش متن مطرح است. در نگرش ساختگرا، طرح معمـاری ماننـد زبـان از همنشـینی اجـزای مختلـف شکل گرفته و عناصر طرح مانند کلمات ضمن داشتن ارزش‌ها و نقش‌های جداگانه یک مفهوم کلی رابه مخاطب انتقال داده و مخاطب بـه دنبـال کشـف آن مضـامین است.

در خوانش ساختارگرا از معماری(متن) باید در یک لحظه هم ساختار و قواعد متن(معماری) را بشناسیم و هم نشـانه‌هـا را دریـابیم. درواقـع دلالـت و معنـا را همزمان برداشت(احمدی، ۱۳۸۰ ، ص۱۸۷). نشانه شناسی ساختگرا، هر طرح معماری را دارای معنایی واحد و مشخص دانسته و مخاطب به کشف معنای مورد نظـر مؤلف و مورد پذیرش جامعه فرا میخواند. نشانه شناسان ساختارگرا رابطه متن و معنا را مستقیم دانسته و در مقابل نشانه شناسان پسا ساختارگرا، رابطه متن و معنـارا غیر مستقیم دانسته و به جستجوی مفهوم ضمنی و روابط بینا متنی می‌پردازند. دراین نگرش هر متن به صورت یک نظام بوده و از طریق پیـروی الگـویی سـاختاری شکل گرفته است و نه محتواهای معنایی. بنابراین شکل عناصر یـک مـتن و رابطـه بـین آن‌هـا بـا یکـدیگر مهمتـر از محتـوای خـرده سـاختارها و یـا معنـای مـتن می‌باشد(علیرضا غفاری،۱۳۹۵،ص۳۴۴). به بیان دیگر، نگرش ساختگرا به معماری، ابتدا به جسـتجوی نشـانه‌هـایی از مـتن معمـاری پرداختـه و سـپس در برابـر هـر نشانه،(دال) مفهوم و معنایی خاص(مدلول) را در متون نظری آن بر میگزینند. در این نگرش طرح معماری تنها یـک تفسـیر دارد و راه بـرای خـوانش‌هـای متعـدد آن بسته است(علیرضا غفاری،۱۳۹۵،ص۳۴۵). درنشانه شناسی سـاختارگرا ،مخاطـب روابـط و قـوانین درون سـاختاری معمـاری را کشـف کـرده و بـر اسـاس آن، مـتن رابازخوانی میکندو پیام هر معماری به وسیله رمزگشایی این رمزگان به مخاطبان منتقل می‌شود.

نمودار۳:نشانه‌ها در معماری(ماخذ: محمد منان ربیسی وعبدالحمید نقره کار)

نمودار۴: عناصر نشانه شناختی معماری(ماخذ: امیری خوشکار وندانی)

نشانه شناسی پساساختارگرا در معماری

نشانه شناسی پساساختارگرا سعی بر نشان دادن ویژگی‌هایی در متن دارد که دلالت واحدی ندارند و منطق‌هایی را که به سادگی بدیهی فرض شده‌اند به چالش میکشد. هر متن را در ارتباط با سایر متون قابل شناخت و بررسی قرار می‌دهد و روابط میان متنی را مطرح می‌نماید به طوری که مخاطب در مواجه با هر متن به لایه‌های متعددی برای خوانش بر می‌خورد. رولان بارت معتقد است یک متن حاصل نیروهای اجتماعی- فرهنگی و تاریخی مخصوصی است که با دقت در بافتارش و رابطه آن با سایر متون می‌توان به گوهر آن دست یافت(ضیمران، ۱۳۸۲ ، ص۱۷). درنگرش پساساختارگرا، ماهیت متن در وجود بافت تحقق یافته و بافت به طور مستمر متن را می‌آفریند. یعنی بافت ساختاریست که از چندین متن شکل یافته و معنا و مفهوم هر متن با توجه به جایگاه آن در بافت و رابطه آن با سایر متن‌ها قابل دریافت است. در این نگرش، تأویلگر با ژرف نگری و غور در لایه‌های متعدد طرح و دریافت روابط متن گونه طرح به معنا سازی برای آن می‌پردازد. به بیان دیگر در برداشت ساختارگرا، مخاطب به دنبال کشف معنای اصیل متن بوده در حالی که در نگرش پساساختارگرا، تأویلگر معتقد به معنای سیال و معناسازی متن است (علیرضا غفاری،۱۳۹۵،ص۳۴۷)

نشانه شناسی پساساختاگرا، معماری را مانند یک نوشتار دربردارنده معانی درونی و ضمنی و اندیشه‌های فرامتنی دانسته به طوری که مخاطب با طرحی متن گون مواجه شده و به معنا سازی و نشانه سازی برای آن می‌پردازد. بدین ترتیب مخاطب نه با متن واحد، بلکه با پدیده‌ای چند متنی مواجه شده و رمزگان موجود در متن، مخاطب را به ژرفای متن و کشف لایه‌های پنهان متن دعوت می‌کند. در واقع معماری همه به عنوان ماهیتی کارکردی و دارای لایه‌های سیستماتیک به دنبال پاسخگویی به نیازهای انسانی است و هم به عنوان ماهیتی فرامعماری و نمادین، چون هاله‌ای، محتوا ومفاهیمی را دربرگرفته است. طرح با بهره‌گری از نشانه‌ها و رمزگان‌ها و بن‌مایه‌ها، چون دریچه‌ای مخاطب را به بازی نشانه‌ها برده و سعی در کشف معانی آن داشته و همواره در تلاش است تا بااتکا به اشارات مستقیم طرح، دلالت‌های غیر مستقیم، لایه‌های کارکردی، خصوصیات بازتاب ودگرگونی، به کشف لایه‌های جدیدی از معنا بپردازد و به اصطلاح معماری را خوانش کند(علیرضا غفاری،۱۳۹۵،ص۳۴۷)

اصطلاح نشانه شناسی پساساخت گرادرکتاب نشانه شناسی دنیل چندلرآمده است وبا نشانه شناسی اجتماعی یکی میپندارد.اما نجومیان ،سعی برنشان دادن ویژگی‌هایی درمتن دارد که دلالت واحدی ندارند ومنطق‌هایی را که به سادگی بدیهی فرض شده‌اند،به چالش میکشد(نجومیان،۱۳۹۰،۵۲).ژاک دریدا درمصاحبه‌ای با ژولیا کریستوا با عنوان"نشانه شناسی وگراماتولوژی"با قبول اینکه نمی‌توان مفاهیمی مانند"نشانه"و"ساختار" را کلا به دورانداخت ،کارضروری تر را چنین معرفی میکند:"بی شک دگرگون ساختن مفاهیم ازدرون نشانه شناسی ،جابه‌جا کردنشان ،به کارگرفتنشان علیه پیش انگاره‌هایشان،بازانگاریشان درزنجیره‌های دیگر وکم کم تغییردادن حوزه‌ی کارمان وازاین راه تولید پیکربندی‌های نو، کارهای ضروری‌ترند"(حقیقی، ۱۳۷۴ ،۲۸۱).

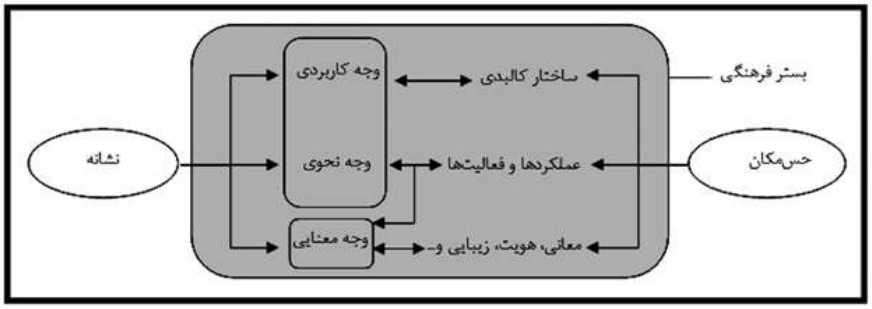

نمودار۵: ارتباط نشانه شناختی و حس مکان(ماخذ: فلاحت، ۱۳۹۱ ، ص۲۳)

نشانه شناسی فرهنگی درمعماری

نشانه شناسی فرهنگی ،نشانه‌ها را درارتباط با روابط فرهنگی ومناسبات انسان‌ها بررسی میکند.به تعبیر پیرس ارتباط بین دال(شکل و عناصر معماری و هر آنچه که به کالبد معماری معطوف می‌شود) ومدلول(روح، مفاهیم، معنا و ارزش‌های حامل هر اثر معماری کاملا قراردادی و مربوط به فرهنگ جامعه مصدر اثر معماری است.همانطور که جاناتان کالر درکتاب جستجو نشانه‌ها میگوید: «نشانه شناسی چیزها وکنش های درون یک فرهنگ را نشانه میپندارد و از این راه درصدد -است تا قوانین و مقرراتی که اعضای آن فرهنگ، خودآگاه یا ناخودآگاه پذیرفته و به آن معنی داده‌ا-ند، را تشخیص دهد.»(جاناتان کالر،۲۰۰۱، ص۳۵) به تعبیر رولان بارت معماری به میانجی تازه ای برای جنبه‌های التزامی فرهنگ بدل می‌شود. براین اساس هر شی یا کنش انسانی خود درنظام دلالتی ،دارای معنی یا معانی است که با منطق متفاوت شکل گرفته است وتنها درشکل متنی قابل دریافت وفهم است.

فلامکی در نشانه شناسی معماری، فضا را با توجه به روابط فرهنگی- مدنی به عنوان یک متن برخاسته از آن، مورد خوانش قرار می‌دهدو اشاره میکند که نشانه شناسی معماری آنگاه که به فضایی غنی شده می‌پردازد به موجودیت‌های گوناگون زیر می‌نگرد: موجودیت‌های ابعادی – تناسباتی(جایی که ماده از طریق بر بیرونی به بازی معماری گرفته می‌شود)؛ موجودیت‌های شکلی – تصویری؛ موجودیت‌های اساطیری(جایی که نمادهایی که موضعی، اقلیمی، اندیشه‌ای هستند به میدان می‌آیند).(فلامکی،۱۳۹۱،ص ۳۸۳) درنگاهی دیگر کارکردهای ضمنی،ایدئولوژیک وکارکردهای کلان اجتماعی که امبرتو اکو ازآن‌ها یاد میکند در رویکرد نشانه شناسی فرهنگی نیز جای میگیرد. درمعماری هم هرعنصر مادی(اجزای تشکیل دهنده بنا)یا هرساختارفضایی (فضا سازی وتحمیل کنش‌های مشخص انسانی درآن فضا)درمتن(بنای مورد مطالعه) دلالت‌هایی را درپی دارد که با ساخت فرهنگی زمینه اثر درارتباط متقابل است(نجومیان،۱۳۹۰ ،ص۵۱. امبرتو اکو در کتاب نشانه‌شناسی خود طبقه‌بندی تازه‌ای ارائه می‌کند واشاره می‌کند که تمام نشانه شناسی نه از «نشانه‌ها »، بلکه از نقش‌های« نشانه‌ای »تشکیل شده است.مدلی که دراین کتاب اشاره شده است ،امکان تدوین نوعی نشانه شناسی را فراهم می‌آورد که صرفا ارجاعی نیست وبیان‌ها به طورطبیعی میتواند برای ارجاع به چیزها ویا حالات بکار روند؛اما دروهله نخست به واحدهای فرهنگی برمی‌گردند یعنی به عناصرمحتوا که به وسیله یک فرهنگ معین ساخته وپرداخته شده‌اند. اکو معتقد است در شمایل‌گرایی با شباهت و قیاس سروکار نداریم؛ در این‌جا نیز چون در گستره‌ی کلمات که دال و مدلول بر اساس قرارداد و پیوندهای فرهنگی تعریف می‌شوند سروکارمان با رمزگذاری‌های فرهنگی است(امبرتو اکو،۱۳۹۳ ،ص۲۰).

امبرتو اکو نشانه شناس ،برای تحلیل نشانه شناسی معماری سه دسته رمزگان معرفی میکند.این رمزگان براساس درجه اهمیت به طور مختصر معرفی میگردد:دسته اول را اکو "رمزگان تکنیکی" مینامد که شامل عناصر اولیه معماری میشود،مانند کف بنا ،سازه‌های سیمانی، سازه‌های آهنی وغیره.دسته دوم "رمزگان نحوی" است که عناصر معماری براساس منطق خاصی دررابطه همنشینی درکنار یکدیگر قرار می‌گیرند ودلالت معنایی ایجاد می‌کنند ،مانند رابطه راهرو با حیاط ،یا پله‌ها یا پنجره‌ها .دسته سوم "رمزگان معنایی"است.دراینجاست که عناصرمنفرد معماری درارتباط دلالت‌های یک به یک وضمنی ،دلالت معنایی عمیق تر و شاخص‌تری تولید می‌کنند.امبرتو اکو رمزگان معنایی را به چهار دسته تقسیم میکند:الف)رمزگانی که کارکرد ابتدایی دارند(مانند سقف،پله،پنجره) ب) رمزگان که کارکرد ثانویه‌ی ضمنی دارند(مانند سردر،قاب ،بادگیر) پ)رمزگان‌هایی که معنایی ضمنی ایدئولوژی سکنی گزیدن را تولید میکند(مانند شاه نشین،حوض خانه،پنج دری) و ت)رمزگان‌هایی که دریک تقسیم‌بندی کلان‌تر گونه‌های کارکردی واجتماعی را دلالت می‌کنند(مانند خانه اشرافی،خانه سنتی،مدرسه).(امبرتو اکو، ۱۹۹۷ ،۱۹۴-۱۹۳)

مقاله پیش رو رمزگان را برهمین اساس درتحلیل پیکره مطالعاتی خود مورد بررسی قرار داده است. نشانه شناسی فرهنگی ،نشانه‌ها را درارتباط با روابط فرهنگی ومناسبات انسان‌ها بررسی می‌کند .همانطور که جاناتان کالر در کتاب جستجوی نشانه‌ها میگوید:"نشانه شناسی ،چیزها وکنش‌های درون یک فرهنگ را نشانه میپندارد واز این راه درصدد است تا قوانین ومقرراتی را که اعضای آن فرهنگ ، خودآگاه یا ناخودآگاه ،پذیرفته‌اند وبا آن‌ها به پدیده‌ها معنی داده‌اند ،تشخیص دهد". (جاناتان کالر، ۲۰۰۱، ۳۵).براین اساس هرشی یا کنش انسانی خود در نظام دلالتی ،دارای معنی یا معانی است که با منطق متفاوت شکل گرفته است وتنها درشکل متنی قابل دریافت وفهم است. معماری میتواند فضایی برای فعالیت‌های خاص فراهم آورد ؛به یاد انسان‌ها بیاورد که این فعالیت‌ها چیست؛برقدرت وموقعیت اجتماعی وخلوت شخصی دلالت کند؛ترجمان اعتقادات جهان شناختی باشد؛تبادل اطلاعات کند؛درخدمت تثبیت هویت فرد یاگروه باشد؛ونظام ارزش‌هارابا نشانه هایی بیان کند.معماری همچنین میتواند قلمروها را ازیکدیگرتفکیک کند ومیان این جا وآن جا ،مقدس ونا مقدس، مذکرومونث، جلو وپشت،خصوصی وعمومی،مسکونی وغیرمسکونی ومانند آن‌ها تمایز به وجود آورد(راپوپورت، ۱۳۸۲ ،۸۳).

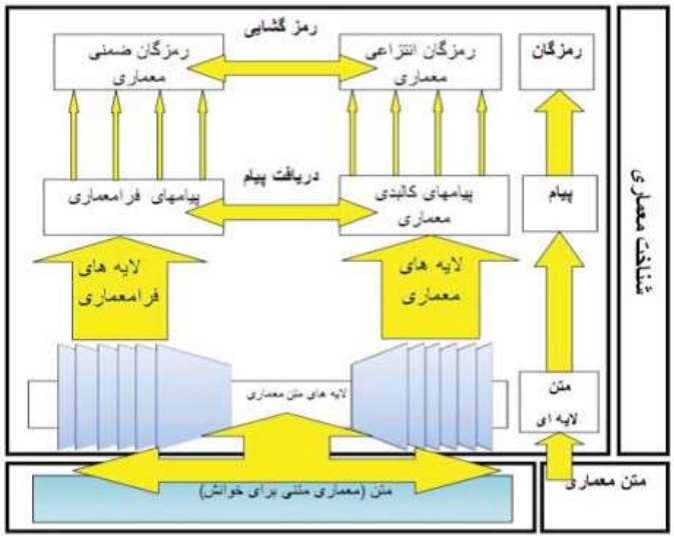

نمودار۶: شناخت متن معماری، نشانه شناسی پساساختارگرا روشی برای معناسازی متن(مأخذ: دباغ،۱۳۹۰)

جدول۱: مقایسه خوانش معماری دردو دیدگاه ساختارگرایی و پسا ساختارگرایی

شاخص‌های خوانش در نگرش وساختارگرا پساساختارگرا	خوانش معماری از نگاه ساختارگرا	خوانش معماری از نگاه پساساختارگرا
ماهیت طرح معماری	ماهیت مطلق	ماهیت نسبی
نوع نگاه به طرح معماری	خوانش وضع موجود به دنبال ساحت حضوری طرح	خوانش به دنبال ساحت غیابی طرح
مالکیت طرح	مؤلف(معمار محور)	مخاطب(تأویل محور)
ساختار طرح	همنشینی سکانس‌های متفاوت	همنشینی لایه‌های متفاوت
شکل و مکانیت طرح	خطی، ارتباط خطی عناصر، محدودبه مکان	شبکه ای، عدم وابستگی به مکان
دریافت معنای طرح	وجود معنای واحد	وجودمعنای سیال، بازی دال‌های موجود
موضوعیت طرح	کارکردی وکاربردی	بازتولید و واسازی طرح
نگاه متن گون به طرح	متنیت ثابت	چندمتنی، فرامتنیت، بینامتنیت

ماخذ:غفاری،۱۳۹۵،ص۳۴۷

نشانه شناسی وحفاظت بناهای تاریخی:

نشانه شناسی معماری، فضا را با توجه به روابط اجتماعی و فرهنگی - مدنی به عنوان یک متن برخاسته از آن، مورد خوانش قرار می‌دهد. مخاطب در روبرو شدن با فضای معماری، با توجه به تصاویر و برداشت‌های ذهنی خود از فضا و رمزگان، فضا را مورد بازتولید قرار می‌دهد. مخاطب با توجه به جایگاه اجتماعی و زمینه‌های فرهنگی خود و بستر فرهنگی طرح معماری به معناسازی برای طرح می‌پردازد(فلامکی، ۱۳۹۱،ص۳۸۳). بنابراین دربازتولید ذهنی ازفضای ساخته شده ،حفاظت‌گر نقش مهمی ایفا میکند. درمسیرحفاظت از بناهای تاریخی آنچه مهم است بی‌طرفی مرمت‌گر درالقاء اندیشه‌های خود می‌باشد تا راه را برای تاویل‌های مخاطب باز بگذارد. امبرتو اکو معتقد است که باگذراز گروه انسانی به گروه دیگر،باتوجه به زمینه فرهنگی- اجتماعی وگذرزمان ممکن است نشانه دچارزوال ،بازیابی وجایگزینی‌های گوناگونی شود. دراین رهگذر، مرمت‌گر باحفظ اصالت نشانه وتوان بخشی نشانه‌های فرهنگی سعی دربازنمایی پیام مستتر درنشانه را دارد. همانطورکه راپوپورت میگوید، درجوامع سنتی ساختاری به نسبت منسجم‌تر وروابط اجتماعی تعریف شده ومورد قبول همه حاکم است ودریک کلام مابا ساختار محکم‌تری روبرو هستیم:«درجوامع سنتی این چهارنظام :فضا ،مفاهیم ،ارتباطات وزمان ،وحدت بیشتری داشته وهم سازتر بوده‌اند»(راپوپورت،۱۳۸۲، ۷۳). به تعبیر امبرتواکو، «کارکردهای اشیاء درمعماری به جزدلالت عینی یا یک به یک ،خود می‌تواند به واسطه ایدئولوژی خاصی دلالت ضمنی هم داشته باشند.»(اکو ،۱۹۹۷، ۱۸۷).با این تعبیر کارکرد نشانه‌ها درمعماری هم دلالت‌های عینی وهم دلالت‌های ضمنی به‌مراه دارد.دلالت‌های عینی بیش‌تر براساس فایده ،عملکرد، سهولت وتعاریف جهانی وغیرشخصی شکل میگیرند ولی دلالت‌های ضمنی بیشتر مسئول انتقال عواطف وارتباط‌های انسانی وطرح ایدئولوژی ویژه هستند(نجومیان، ۱۳۹۰ ،۵۵).

میتوان ازاین نشانه‌های ایدئولوژی ،درونگرایی را نام برد که درجهت محرمیت کالبدی- فضایی خانه بوده وازنشانه‌های کالبدی وضمنی درجهت تقویت حرمت خانه است.درهنگام حفاظت ،حفظ ایدئولوژی ومعناهای ضمنی که برآمده از دلالت‌های نشانه‌ای هستند ضروری است.تغییر رفتارفضایی-کالبدی معماری به بهانه‌های مختلف که سبب تغییردرمعنای نشانه‌های عقیدتی شود ،معمولا خانه را ازمفهوم کلی خانه تهی میکند.برای نمونه میتوان به ازبین بردن جداره بین بخش اندرونی وبیرونی درخانه‌های کویری اشاره نمود(مانند خانه صادقیان میبد)که باعث ازبین رفتن مفهوم کلی خانه دربازززنده سازی اثرمی‌شود.

بنابراین درحفاظت از ساختارهای فرهنگی باید به رابطه همنشینی– جانشینی کدهای فرهنگی توجه خاص نمود وبا حداقل دخالت زمینه رابرای دلالت‌های چندگانه فراهم آورد. برای نمونه می‌توان از تکنیک خط اندازی برای القاء طرح ازبین رفته نام برد که درجهت ارایه تصویرروشن نه کامل از طرح می‌باشد. به تعبیری نشانه شناختی ،هرنشانه بنا به عنوان رمزگانی با دلالت ضمنی ایدئولوژیک یا اجتماعی دررابطه همنشینی ویژه‌ای(رمزگان نحوی) قاب گرفته شده است(نجومیان، ۱۳۹۰ ،۵۶). درقاب گرفتن معمار ایرانی به شکل های مختلف زمینه رابرای تفسیرهای متفاوت باز میکند که درحفاظت نیز این قابگیری هاباید محتاطانه وبراساس پیش فرض‌های استوار باشد.تاکید بر دلالت‌های ضمنی که معمولا دربستر قلمرو فرهنگی به سرعت خوانش وفهمیده می‌شود راه رابرای حفاظت مستمرکالبدی فراهم میکند ونقش حفاظت‌گررا بعنوان دخالت‌گر کم‌رنگ می‌نماید.

تصویر۱: نقش اثاثیه ومبلمان بعنوان نشانه درمعناسازی مخاطب تاثیرزیادی دارد. عکس ازخانقاه مودت یزد

دریک جمله درفهم نشانه شناختی ،زبان و نظمی برای هر ساختار بشری قایل می‌شویم که به واسطه این زبان ،بین کسانی که رمزگان آن زبان را پذیرفته‌اند ارتباطی به شکل معنی حاصل می‌شود(نجومیان،۱۳۹۰،۵۰) پس میتوان گفت درحفاظت میتوان از زبان(زبان معماری) بعنوان گسترده‌ترکننده دایره معنایی،کمک گرفت تا ارجاع نشانه‌ای سریع‌تروراحت‌تر فهمیده شود .باززنده سازی درمکان‌هایی که زبان معماری آن پرورده شده ودارای غنای واژگانی است به واسط رمزگان نشانه‌ای ،دلالت‌های معنایی سریع‌تر فهمیده می‌شود.

معماری بنا یا ساختارشهر ،همه روابط فرهنگی خاصی را برساکنان ومخاطبان فضا تحمیل می‌کند که نتیجه ساختار نظام‌مند معماری می‌باشد.طبق نظر راپوپورت:فایده سامان دادن فضا وزمان اینست که روابط میان افراد را نظم میدهد.با سامان یافتن محیط درواقع این چهار عامل یعنی فضا ،مفاهیم ،روابط وزمان ،نظم میابند.به اینصورت است که میتوان محیط را به شکل مجموعه‌ای از روابط بین اشیاء،روابط اشیاء با انسان‌ها وروابط میان انسان‌ها تعریف کرد.(راپوپورت، ۱۳۸۲ ،۷۱)این تعریف بسیاربا رویکرد نشانه شناختی ساخت‌گرا ونشانه شناسی فرهنگی همراه است ،به ویژه زمانی که این عوامل درآغاز به دلیل کارکرد خود درون یک نظام گرد هم آمده‌اند.صحبت از کارکرد عناصر یک نظام خود پایه نظری نشانه شناسی است ،ولی نشانه شناسی معماری با این فرض که عناصر معماری جدا از کارکرد خودمعناهای فراتر را دلالت می‌کنند،به سرعت راه خود را از کارکرد گرایی در معماری جدا میکند(نجومیان،۱۳۹۰،۵۰) البته راپوپورت زمانی که می‌گوید :"معمولا معنی درقالب نشانه ،مصالح،رنگ،شکل،اندازه،اثاث،محوطه سازی ونظایرآن مجسم می‌شود"(راپوپورت، ۱۳۸۲ ،۷۱) انگار نشانه را چیزی غیراز عناصر معماری که پس ازآن فهرست میکند،می‌بیند.درحالی‌که از دید یک نشانه شناس ،تمام این عناصر نشانه‌اند ودر بستر ساختار متنی فضای معماری ،در ارتباط با یکدیگر معنی سازی میکنند ،این همان فرآیند دلالت است. معماری همچون فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای از رمزگان است که این کدها منظومه نشانه‌ای را بوجود می‌آورد.درمطالعه معماری تاریخی نشانه دررابطه بینامتنی با دیگر نشانه‌ها فهمیده می‌شود وبنای تاریخی که با لایه‌های تاریخی درهم پیچیده می‌شود ازطریق نظام نشانه‌ای بازشناسی می‌شود.

درتوانبخشی معماری نیز این پیوستار نشانه‌ای برای مرمت‌گر محدودیت عمل بوجود آورده بطوری‌که بکارگیری نشانه بدون زمینه فرهنگی موجب اغتشاش در خوانش هماهنگ شده و پیوستگی معنایی صورت نمی‌گیرد .برای مثال می‌توان به بکارگیری فضای سبز احیاءشده درخانه‌های یزد اشاره نمود.معمولا درقدیم درحیاط خانه‌های یزد بجز نارنجستان درخت‌هایی بابرگ‌های متوسط وریز میباشد(مانند انار وموردو..).درگذشته نوع درخت‌ها منوط به ابعاد حیاط ،شرایط اقلیمی، گودی حیاط،میزان وعمق دسترسی به آب،ابعاد تاج وتنه درخت ،میزان ساعات نساری ،هندسه جداره و...می‌باشد که باید درحفاظت خانه مدنظرقرار گیرد.این مراقبت نشانه دربازززنده سازی بعضی خانه‌ها رویت نمی‌گردد بطوری‌که شاهد پهن برگ‌ها وسوزنی برگ‌ها درخانه‌های یزد هستیم که هیچ سنخیتی با معماری سبزبومی نداشته ومقدمه را برای تخریب ساختارمفهومی خانه فراهم می‌نماید. عدم توجه به فضای سبزبعنوان کدهای نشانه‌ای یا به‌عبارتی بهتر عدم توجه به بوم نشانه شناسی موجب عدم شکل گیری معنای صحیح اثر شده ودربسترتاریخی ،زمینه را برای دگرگونی معنای اصیل بنا فراهم می‌آورد. دریدا معتقد است که به منظور دست یابی به معنای متن باید ناخودآگاه متن را بشکافیم(ضیمران، ۱۳۷۷ ، ص ۳۹۵). و هیچ متنی مستقل از سایر متون وجود ندارد و هر متن تداعی کننده متون پیشین ودرآمدی به سوی متون دیگراست. در واقع متن یک ساختار چند وجهی عناصر، اندیشه‌ها و تصورات دارد که از هماهنگی تشکیل شده است. روابط بین انسانی و صوری هر متن با توجه به جایگاه خود در بافتار پیرامونش معنا می‌یابد. هر متن به دلیل وجود روابط بینامتنی با سایر متون در ارتباط بوده و فرایند معنا سازی متن از همین طریق صورت می‌پذیرد(علیرضا غفاری،۱۳۹۵،ص۳۴۵).

درمعماری خانه‌ها ،کلیه ساختارهای فضایی –کالبدی دلالت برموقعیت اجتماعی واقتصادی ساکنان می‌کند .درخانه‌ها بیشتر نشانه‌ها کارکردهای ضمنی ،ایدئولوژیک یا اجتماعی دارند. درخانه، فضابعنوان بخشی ازکارکرد ابتدایی رمزگان براساس ویژگی‌های طبیعی انسان طراحی شده است .راپوپورت معتقد است که:«محیط‌ها رابطه بین افراد وطبیعت ،شدت ،نسبت،جهت را تعیین می‌کند وبرآن‌ها موثرند.» (راپوپورت،۱۳۸۲، ۷۲) حرکت درون متن (مسیرخوانش)یکی از مباحث اصلی نشانه شناسی می‌باشد که در نشانه شناسی معماری به‌واسطه کالبدی بودن مسیرحرکت ،اهمیت ویژه می‌یابد.طبق نظرآرنهایم:«معماری امکان آمد ورفت انسان‌ها را بادوام بی زمان خود برآورده می‌سازد...بدین ترتیب معماری باصورت خود حضورانسان را به رسمیت میشناسد. »(آرنهایم ،۱۳۸۲، ۸۷) حرکت درون فضاهای یک بنا نه تنها کارکردی ابتدایی وفایده گرا دارد،بلکه میتوان درسه سطح بعدی رمزگان‌های کارکردی ومعنایی اکو هم قابل طرح باشد. همچنین حرکت خود رمزگان نحوی بنارا هم برما نمایان میسازد.به عبارتی دیگر حرکت درون فضاها ،ساختار نحوی وهمنشینی واحدهای بنا را نمایان میسازد.(نجومیان،۱۳۹۰، ۵۴) مسیرحرکتی دربازززنده سازی بناهای تاریخی نیز باید منطبق بر مسیرفهم حرکتی مخاطب باشد تا شاکله کلی خوانش ازبنا ویابافت برای اوفراهم گردد .البته دربعضی بناها مانند خانه سعی می‌گردد تا مسیرحرکتی منطبق بر خط رفت وآمد قدیمی اثربوده تا فهم انسانی درافق تاریخی یکی باشد ولی دربرخی سایت‌ها معمولا حفاظت‌گر مسیری را برمی‌گزینند که بیشترین رمزگان معنایی نصیب مخاطب گردد. چشم انداز به مثابه نوعی از ارتباطات یا زبان تلقی می‌شود. چشم اندازها شامل ساختمان‌ها، مکان‌ها و اشیایی هستند که به عنوان نشانه‌ها یا کلماتی که مناظر اطراف را احاطه کرده‌اند خود عناصری از نظام بازنمایی نشانه‌ها هستند. به هر حال، تولید معنا در ارتباط با مکان‌ها، رویدادها و ویژگی‌های مناظر شهری و نیز مرتبط با نظام مفاهیم است(چپچنسکی ،۲۰۰۸، ۴۳).

پرهیزاز زمان پریشی درسکانس‌های فضایی معماری ازوظایف حفاظت‌گر میباشد.اختلال در نظم یاترتیب زمانی _مکانی داستان ونظمی که داستان روایت میشود را اصطلاحا زمان پریشی می‌گویند که نشان می‌دهد تاچه حدی زمان دست کاری می‌شود ودرگفتمان روایت بازسازی می‌گردد.

جدول۲: چگونگی ادراک معانی و تفسیر معانی نشانه‌ها با رویکردهای مختلف

رویکردهای مطرح در ادراک نشانه‌ها	مبنای تفسیر نشانه‌ها
رویکرد روانکاوی	تداعی حاصل از طرحوارههای ذهنی ناشی از کهن‌الگوها
رویکرد رفتارگرا	تداعی حاصل از فرایند تقویت-تکرار
رویکرد اکولوژیک	تداعی حاصل از آموخته‌های اجتماع‌پذیر
رویکرد سیمائشناختی	تداعی حاصل از اصول فرم‌شناسی

(ماخذ: فلاحت، ۱۳۹۱ ، ص۲۲)

درنشانه شناسی معماری متاثر از نظریات دوسوسور ،تقابل بین درون وبرون را درقیاس با تقابل دال ومدلول قرار داده‌اند. به این ترتیب آنچه تلقی ما از بیرون بناست ویژگی فیزیکی نشانه است وآنچه درون بنا مینامیم ،ویژگی Noth (۱۹۹۵،۴۳۷ ،) ذهنی نشانه است.با این تعریف خانه‌ها با حرکت به سوی مدلول ،وجه ذهنی نشانه وعمق متن را راهبری می‌کند.. خانه فضایی اهلی است وبا خودی تعریف می‌شود.درخانه یا تنها خودی اجازه ورود دارد یا اینکه باید اهلی شود تا اجازه ورود یابد(نجومیان، ۱۳۹۰ ،۶۱)درباززنده سازی خانه‌های تاریخی به تمامی پذیرای دیگری شده‌اند ودیگر معنای ضمنی وایدئولوژیک فضای اهلی وآشنا را تداعی نمیکنند. درخوانشی مشابه ماشاهد خانه‌هایی کهنه هستیم که دیگرکسی درآن‌ها زندگی نمی‌کنند.این ویژگی خانه‌ها فرآیند دلالتی رادردوجهت مخالف به حرکت وا میدارد.ازسویی خانه با ساکنان آن تعریف می‌شود .خانه درغیاب ساکنان آن دیگرخانه نیست.خانه‌ای که ساکنان درآن سکنی گزیده‌اند ،قابل بازنمایی ودیدن نیست وزمانی که خانه‌ایی را که دیگردرآن زیستن صورت نمی‌گیرد به نمایش می‌گذارید ،آیا دیگر شاهد خانه هستید وتجربه‌ی حرکت در فضایی خانه گونه دارید؟(نجومیان، ۱۳۹۰ ،۶۱) دراین واسازی معنایی از خانه ، خانه ازمفهوم خالی شده ودوباره از طریق باززنده سازی است که میتوان معنی خانه رابه ذهن مخاطب بازگرداند.میزان موفقیت حفاظت واحیاء منوط به بازسازی معنایی خانه بااستفاده ازکدهای نشانه‌ای می‌باشد که مفهوم خانه راتقویت نمایند وبرخلاف جریان واسازی معنایی ،شاکله کلی سکونت را بازنمایی کنند.

راپوپورت درمقاله «خاستگاه‌های فرهنگی معماری»براین نکته تاکید می‌کند که به ویژه درجوامع سنتی قالب‌های معماری تحت تاثیر باورهای دینی بوده اند.محترم ومقدس شمردن فضای محل سکونت ناشی از این نگاه است(راپوپورت،۱۳۸۲، ۷۴) این تقدس که بصورت نشانه‌های کالبدی آشکار میگردد درمرمت باید بصورت حفظ بارارزشی نشانه‌های ضمنی حفظ گردد و استحاله نشانه‌های فرهنگی ،دربندی است فقط برای ویترین نیازهای به روز جامعه .برای روشن شدن موضوع می‌توان به کارکرد رنگ درحفاظت بناهای کویری اشاره نمود.رنگ (مخصوصا خانواده آبی) درمناطق خشک کویری دارای قداست معنایی می‌باشد که بکارگیری آن دربازززنده سازی کالبدی بصورت ساختمایه‌ای جدید درجایی غیراز کاربرد اصیل آن ،منطبق بر دستگاه نشانه شناسی بومی نبوده ودلالتی غیراصیل را شکل میدهد.این استحاله فرهنگی نشانه(ازعرش به فرش آوردن نشانه) درزمان منجر به انقطاع فرهنگی وعدم شناخت مخاطب از دلالت‌های معنایی نشانه میگردد واین جداشدگی درتضاد با تفکرحفاظت که حفظ ارزش‌هاست میباشد. ازدست دادن توانایی مخاطب در ادراک نشانه‌ها که به نشانه پریشی تعبیر می‌شود یکی از پیامدهای عدم توجه به بوم نشانه شناختی است که باید سرلوحه کار مرمت‌گر قرار گیرد.

تصویر۲:بکارگیری کدهای فضای سبزبدون توجه به عقبه فرهنگی بوم اثر(بوم نشانه شناسی) منجربه عدم ادراک کامل بنا می‌گردد(ماخذ: نگارندگان)

تصویر۳:بکارگیری کاشی دربندهای آجری دردربند خانه ملک التجاریزد راه فهم فرهنگی ازطریق نشانه رامخدوش می‌نماید(ماخذ:نگارندگان)

نتیجه گیری:

مخاطب باژرف نگری در لایه‌های متعدد ولایه هرمنوتیکی و دریافت روابط به معناسازی برای آن می‌پردازد. لایه هرمنوتیکی معماری از طریق رمزگان موجود در طرح و با توجه به عمق وسطح دریافت، معنای طرح را تشکیل می‌دهد. هر کدام از لایه‌ها و از جمله لایه هرمنوتیکی خود از زیر لایه‌های متعدد تشکیل شده و معنا از هر زیر لایه به لایه دیگری در جریان بوده و به طور غیرقطعی و سیال در حال جوشش است. پس خوانش معماری یعنی توجه به لایه های شاکله طرح و معناسازی بر اساس لایه های همنشین که معنا همواره به تعویق می افتد. معنا همواره در غیاب نشانه وجود داشته و در پیوستاری از دال‌ها پراکنده است و به صورت تعویقی و سیال از مخاطب فرار کرده و مخاطب در جستجوی آن در تلاش است(علیرضا غفاری،۱۳۹۵،ص۳۴۶).

بنای تاریخی فراتر ازکالبدی فرسوده وتاریخی،حاوی منظومه‌ای از کدهایی معنایی است که درپشت ظاهر خود پنهان نموده است.این کدهای معنایی درلحظه برخورد مخاطب با بنا است که باروری معنایی دراثر به وقوع پیوسته وحامل پیغامی می‌گردد که نتیجه استفاده از بنا وفضا می‌باشد.این زایش که نتیجه فهم فرهنگی است از ویژگی‌های مهم انسانی است که معادلات ومقولات زندگی را پی ریزی می‌نماید.انسان در هر لحظه در مکان‌هایی حضور دارد که این مکان‌ها همواره جهت تفسیر موقعیت انسانی، بخشی از کنش‌های آدمی را مشخص می‌نماید.

درمقوله احیاء بناهای تاریخی ،تحلیل مخاطب از بنا رویکرد مصرفی بوده وبه چگونگی خوانش مخاطب وعملکردهای جدید بنا بستگی دارد.این خوانش که مجموعه ای از کدهای فرهنگی بوده به شناخت تلویحی مردم از قالب‌های معماری وچگونگی تناسب آن ابژه خاص با مخاطب دارد.معناهای ساطع شده که بصورت لا یتناهی بوده در صورت مشاهده مستمرو برداشت‌های گوناگون از بنا، میتوان چگونگی نوع مرمت رابرای مرمتگرآشکار کند.دراین تحلیل وتفسیر مخاطبان ،مطالعات فرهنگی وآبشخورهای معنایی رارونق می‌بخشد.دراین رابطه دیالکتیک بین مخاطب واثر ،معنی مسیری پویا وتولیدی را می‌پیماید وهیچ وقت به پایان راه نمی‌رسد وهرلحظه دیگرگون می‌گردد.وظیفه مرمت‌گر اینست که دستورالعمل ورمزگان نشانه شناختی که معمار دربنا ودیعه نموده است را ارایه دهد وبا فرا خوانی کدهای معنایی ،جاده تفسیر معنایی را هموار نماید.البته میزان رمزگذاری به قابلیت تفسیر ودامنه معنایی سیالی است که بنا برای مخاطب باز می‌کند واجازه تفاسیر مختلف را به مخاطب می‌دهد.

امکان تفسیر متنوع مخاطب ازیک سو به طراحی خلاقانه اثر واز سوی دیگر به سرمایه‌های فرهنگی مخاطب برمی‌گردد.درفرآیند تفسیر یک بنا ،آنچه بـه وقـوع می‌پیوندد ،ترکیب واتحاد افق تاریخی مدرک درجهان معنی با افق تاریخی اثراست.درلحظه ادراک درپرسپکتیو،افق‌ها درنقطه گریز با یکدیگر ادغـام میگردنـد ونتیجـه چیزی جز فهم اثر نیست.

دربازززنده سازی وتوانبخشی اثر که منجر به بازتفسیرهای ابژه می‌گردد به وسیله قیاس معنا شناختی ابژه ،مخاطب را به فرم و ایـدئولوژی‌هـای کـارکرد ارجـاع می‌دهد.دربازززنده سازی، آفرینش دوباره اتفاق می‌افتد که دراین آفرینش مجدد که به پیش فهم‌های مخاطب برمی‌گرددرجهت انکشاف مجدد یـک حقیقـت صـورت میگیرد.

درمسیرحفاظت معماری برای خوانش صحیح اثر، شناور نمودن دوباره لایه‌های معنایی رسوب نمـوده درجهـت بازتولیـد طـرح معمـاری وبـازنمود آن برعهـده حفاظت‌گر می‌باشد که این وظیفه باشناخت درلایه‌های استعاری،کنایی،بازنمودی وغیره بدست می‌اید.

بدین ترتیب خوانش متن معماری، یعنی توجه به لایه‌های شاکلهٔ طرح و معناسازی طرح براساس لایه‌های همنشین آن است.

حفاظت فرهنگی بی توجه به پنداشت‌های فرهنگی که درزیرساخت متن وجود دارند ونقش اساسی که در ایجاد پیوستگی ایفـا مـی‌کننـد،کاملا بـی معنـی اسـت.این پنداشت‌های فرهنگی به فرآیند ارجاع به بیرون از معماری اشاره دارند وراهگشای معنی اثر می‌باشند. درنهایت می‌توان گفـت کـه حفاظـت شایسـته بـرای ارجـاع بـه سپهر نشانه شناختی فرهنگی است تا رسانه‌های گوناگون یک فرهنگ در یک سپهر، زیست تعاملی داشته باشند.

فهرست منابع:

۱. احمدی، بابک، (۱۳۸۰) ، ساختار و تأویل متن، نشر مرکز، تهران
۲. احمدی، بابک، (۱۳۸۰)، از نشانه‌های تصویری تا متن، نشر مرکز، تهران
۳. احمدی،بابک، (۱۳۸۰)، ساختار و هرمنوتیک، گام نو، تهران
۴. ایزدی، نشر ثالث، تهران .اکو، امبرتو، (۱۳۸۷)، نشانه شناسی، ترجمه پیروز
۵. اکو، امبرتو، (۱۳۹۶)،کارکرد و نشانه: نشانه شناسی معماری، در نشانه شناسی (مقالات کلیدی)، توسط امیرعلی نجومیان ، بـا ترجمـه محمـد رجـب پـور، اننشارات مروارید، تهران
۶. آرنهایم، رودولف، (۱۳۸۲)، پویه شناسی صورمعماری، ترجمه مهرداد قیومی بید هنری، انتشارات سمت، تهران
۷. بارت، رولان (۱۳۷۰) عناصر نشانه شناسی، مجید محمدی، نشرهدی ،تهران
۸. چندلر، دانیل، (۱۳۸۷)، مبانی نشانه شناسی، ترجمه مهدی پارسا، انتشارات سوره مهر، تهران
۹. دوسوسور، فردینان، (۱۳۸۲)، دوره زبان شناسی عمومی، ترجمه کورش صفوی، نشر هرمس، تهران
۱۰. ضیمران، محمد، (۱۳۸۲)، درآمدی بر نشانه شناسی هنر، نشر قصه، تهران
۱۱. ضیمران ، محمد، (۱۳۷۹)، ژاک دریدا ومتافیزیک حضور، نشر هرمس، تهران
۱۲. فلامکی، محمد منصور، (۱۳۹۱)، اصل ها و خوانش معماری ایرانی، نشر فضا، تهران
۱۳. سجودی، فرزان،(۱۳۸۷)، نشانه شناسی کاربردی، ویرایش دوم، نشر دوم، نشر علم، تهران
۱۴. سجودی، فرزان، (۱۳۸۸)، نشانه شناسی:نظریه و عمل، نشرعلم، تهران
۱۵. سجودی، فرزان، (۱۳۸۱)، نشانه ونشانه شناسی؛بررسی تطبیقی آرای سوسو، پیرس، اکو،
۱۶. ، وزارت ارشاد اسلامی،تهران10 معاونت امور هنری - مجله زیبا شناخت، ص ۸۳
۱۷. گیرو، پی یر، (۱۳۸۷)، نشانه شناسی، ترجمه محمد نبوی، نشرآگاه، چاپ سوم، تهران
۱۸. یوهانسن ولارسن، یورگن دنیس وسونداریک،(۱۳۸۷)، نشانه شناسی چیست؟، ترجمه علی میر عمادی ، نشر ورجاوند، تهران
۱۹. فلاح محمد صادق و نوحی،(۱۳۹۱) ماهیت نشانه ها و نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماری، هنرهای زیبا، دوره ۱۷ ، شماره۱
۲۰. فیاض و سرفراز، (۱۳۹۰) ،نشانه شناسی چشم اندازهای فرهنگی در جغرافیای فرهنگی؛ راهبردی مفهومی برای فهم و کشف معنـا، فصـلنامه تحقیقـات فرهنگی، شماره ۴
۲۱. منان رییسی، محمد و دیگران ،(۱۳۹۳) درآمدی بر رمز و رمزپردازی در معماری دوران اسلامی، پژوهش های معماری اسلامی، شماره ۲.
۲۲. دباغ، امیر مسعود و دیگران، (۱۳۹۰)،تأویل معماری پسامدرن از منظر نشانه شناسی، هویت شهر، شماره ۹
۲۳. امیری خوشکار وندانی، سمیه،(۱۳۹۵)، بررسی مفهوم شناختی نشانه و رمزگان در معماری و شهرسازی با تاکیـد بـر معمـاری و شـهر اسـلامی، فصـلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۳
۲۴. غفاری، علیرضا،(۱۳۹۵)، بازتاب نظریه های نشانه شناسی در خوانش معماری و شهر، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۵
۲۵. سهیلی، جمال الدین ، (۱۳۹۳)، مروری بر نشانه شناسی در معماری ، گوهر دانش، تهران
۲۶. شیرازی، محمدرضا،(۱۳۸۱)، نشانه شناسی معماری ،دوماهنامه معمار، بهار ۱۷-۱۴